



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ دی ۱۳۸۹
۷ ژانویه ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی

اعتصاب کارگران لاستیک بارز و قطع سوبسید کارفرما

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز از روز شنبه ۱۱ دیماه وارد اعتصاب شدند و روز یکشنبه کل کارگران و از جمله شیفت شب به اعتصاب پیوستند. این کارگران در چهارم مهر ماه نیز به مدت ۴ روز اعتصاب کردند که با وعده تحقق مطالباتشان از جانب رئیس اداره کار کرمان به اعتصاب خود پایان دادند.

مطالبات کارگران عبارت است از، افزایش دستمزدها، تبدیل قراردادهای کاری خود از یکماهه به یکسال، تعطیلی دو روز در هفته به جای یک روز در هر دو هفته و پرداخت کل مزد ۷۰ ساعت اضافه کاری خود که منتهی است مدیریت به بهانه "کم کاری" کارگران، تنها مزد ۴۰ ساعت اضافه کاری را پرداخته است. همزمان کارگران به کاهش پاداش تولید که نسبت به حقوق آنان از ۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان کاهش یافته است معترضند.

کارگران دو ماه پیش و بنابر برآورده نشدن خواسته‌هایشان، تصمیم به اعتصاب میگیرند که با درخواست مهلت دوماهه مدیریت جدید و تعهد به برآورد کردن مطالباتشان، به سر کار میروند. بعد از گذشت دو ماه از این ماجرا و صفحه ۲

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست هدفمند کردن یارانه ها و طبقه کارگر

طرح "هدفمند کردن یارانه ها"، بر داشتن سوبسیدهای دولتی بعنوان عامل کنترل کننده در تعیین بهای کالاهای اساسی مورد نیاز مردم و رها کردن مهار آن تماما در دست مکلینسم های بازار، اقتصاد ایران را وارد فاز جدیدی کرده است. فازی که اگر به سرانجام برسد، در آن دولت نقش بسیار محدودی در کنترل سیر حرکت و

تظاهراتهای وسیع مردم در کردستان عراق

مصاحبه با عثمان حاجی مارف(امجد غفور) دبیر اول حزب کمونیست کارگری کردستان

کمونیست هفتگی: موجی از اعتراض شهرهای کردستان عراق را گرفته است، تظاهراتها چندین هزار نفره در شهرهای سلیمانیه، سید صادق، دربندخان، هلیجه، کفری، شاره زور و پیره مگرن، نشانه یک اعتراض عمومی مردم کردستان

مصطفی رشیدی

یارانه ها و فاشیسم عریان علیه مهاجران افغانستانی

"عزیزان افغانستانی چون ایرانی نیستند یارانه به آنها تعلق نمیگیرد." این جزیی از اظهارات رئیس مرکز آمار جمهوری اسلامی در روز یازدهم دیماه، سه هفته

تجمع اعتراضی کارگران در بغداد

دولت ارتجاعی عراق به بهانه های مختلف دست به تصفیه و اخراج کارگران معترض در مراکز کارگری عراق زده است. برای پیشبرد این سیاست و برای شناسایی کارگران مبارز و رهبران و فعالین کارگری، کمیته ای به اسم "کمیته تحقیق" سازمان داده است و تا کتون تعداد زیادی را اخراج کرده اند. طبق اطلاع "فدراسیون شوراهای کارگران و اتحادیه های کارگری در عراق"، در اعتراض به این سیاست روز چهارشنبه ۴ ژانویه برابر با ۱۵ دیماه بیش از ۵۰۰ نفر از

کارگران جهان متحد شوید!

سمت و سوی سرمایه خواهد داشت. وارد شدن به این فاز، از آمال تاریخی فازی که در آن دولت بخشی مهمی از نقش تنظیم کنندگی خود در اقتصاد جامعه را به مکلینسم بازار واگذار میکند، و تماما در خدمت بورژوازی و تسهیل کننده حرکت آزادانه آن خواهد شد. فازی که در آن بهای کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در اولین وهله، حداقل حدود چهار برابر افزایش خواهد یافت و این افزایش قیمت شامل تمام کالاهای اساسی، نان، آب، سوخت و ... خواهد شد. نام این تغییر سیاست اقتصادی را "رفرم" گذاشته اند. رفرمی که در راستای باز کردن راههای بینشتری بر روی سودآوری سرمایه، معیشت مردم را مستقیما مورد تعرض قرار میدهد.

اختلاف بر سر میزان دخالت دولت در مدیریت اقتصادی جامعه، صفحه ۲



عراق است. کلا ماجرا چه است، اعتراض مردم به چه است و خواست و مطالبات آنها کدامند؟

عوسمان حاجی مارف: اعتراضات مردم کردستان عراق به شکل تظاهراتهای بیش از ده هزار نفری خود را نشان میدهد که اکثر شهرهای کردستان عراق را فراگرفته و همچنان ادامه دارد. این اعتراضات مقاومت توده ای مردم است در برابر تصمیم پارلمان کوردستان برای "ممنوع کردن آزادی تظاهرات" و امضای این مصوبه توسط مسعود بارزانی. بر کسی پوشیده نیست که حزب دمکرات

کردستان عراق که مسعود بارزانی رهبر آن است، به مثابه یک حزب ناسیونالیستی - ملیشیلایی در قدرت، در کشمکش و موقعیت سیاسی کردستان، به نیرویی بزرگ و قدرتمند تبدیل شده است. این حزب در چنین موقعیتی صفحه ۳

زندگی را برای آنها غیر ممکن خواهد ساخت. وعده های مقامات رژیم گویای این بوده است که با اجرای موفق این طرح "عزیزان افغانستانی میتوانند گورشان را گم کنند!" رنگ تند همیشگی فاشیستی مقامات رژیم نسبت به مهاجرین افغانستانی بجای خود، اما کارگر ایرانی چاره ای ندارد جز اینکه از زاویه دفاع و همسنوشتی طبقاتی با کارگران افغانستانی تکلیف صفحه ۴



کارگران در میدان "آل فردوس" بغداد تجمع کردند.

مطالبات کارگران عبارت بوده است از: لغو تصمیمات کمیته تحقیقات، جلوگیری از کاهش حقوق کارگران، و پرداخت کامل حقوق آنها و متوقف کردن تمام اقدامات علیه کارگران سیاسی اخراج شده فدراسیون شوراهای کارگران و اتحادیه های کارگری در عراق اعلام کرده اند

که گزارش کامل و نتیجه این اعتراضات را بزودی منتشر خواهند کرد.

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد، هفت تپه و فلز کار و مکانیک به بازداشت رضا رخشان

جای کارگران در زندان نیست

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هدفمند کردن یارانه ها و ...

محدود شدن کنترل دولت بر حرکت آزادانه سرمایه، بر شرایط سودآوری سرمایه بر تولیدات و خصوصاً بر تولید ضروریات زندگی، تاریخاً یک رکن همیشگی شکاف در صفوف بورژوازی ایران بوده است. اعتراض بخشی از بورژوازی، از اپوزیسیون ملی - مذهبی در زمان سلطنت پهلوی تا اپوزیسیون بورژوازی درون و بیرون حکومتی جمهوری اسلامی، اعتراض به محدودیت‌هایی بوده است که دخالت دولت در اقتصاد، بخصوص سیاست سوبسیدهای دولتی بر سیر رشد و تکوین سرمایه تحمیل میکرده است. امروز نیز اختلاف جناح‌های دیگر بورژوازی درون یا بیرون حکومتی اساساً از سر اختلاف سیاسی یا بر سر سرعت انجام این سیاست است. مخالفت جناح سبز و تمامی داد و فغانش، برای سهم خواهی بیشتر سیاسی و حضور در دولت است.

حذف سوبسیدها در عین حال تعرضی همه جانبه و وسیع کل بورژوازی به سطح معیشت طبقه کارگر ایران است. در کشوری مانند ایران که برخلاف کشورهای مترویل خبری از تامین خدمات اجتماعی مانند بیمه بیکاری، کمک هزینه های مسکن، درمان، کودک، بیمه بازنشستگی و ... ، دستاورد مبارزات صد ساله جنبش کارگری و جنبش سوسیالیستی، نیست. در این کشورها سوبسیدها در عین حال ابزاری در کاستن میزان فشار بازار آزاد بر طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه بوده است. امروز تعرض بورژوازی در جهان به معیشت طبقه کارگر و بخش اعظم جامعه که خود را در زدن خدمات اجتماعی و در ایران به شکل حذف سوبسید به مواد مصرفی و کالاهای پایه مورد نیاز طبقه کارگر خود را نشان میدهد.

طرح "هدفمند کردن یارانه ها"، اگر تماماً به اجرا در آید، تغییری تاریخی در سیاست اقتصادی رژیم، است. طرحی که موقعیت بورژوازی و طبقه کارگر، رابطه دولت و بخش های محروم جامعه، و صف بندی های طبقاتی در ایران، را تماماً دگرگون خواهد کرد. اجرای کامل این طرح زمینه های مادی ایجاد اتحاد در بورژوازی ایران، و متقابلاً اتحاد در صفوف میلیون‌ها نفر از طبقه کارگر و محرومین جامعه را فراهم میکند. پرده های فریب و ریاکاری در مقابل بخشی از بورژوازی که دخالت دولت در اقتصاد را با ادعاهای پوپولیستی - توده ایستی "منافع" مردم مینامید، به کنار میرود. جدالهای طبقاتی حائز و قطبی

تر، اعتراضات "ماورا طبقاتی"، "پوپولیستی" و "همه با همی" را کنار خواهد زد. همه چیز حول دو طبقه اصلی، کار و سرمایه، نو پدید سود و استثمار، و نو اردوی ارتجاع بورژوازی و ترفیخواهی پرولتری، جا و مکان واقعی خود را باز خواهد یافت.

سپردن مکانیسم تعیین بهای کالاها ی اساسی مورد نیاز مردم تماماً در اختیار بازار، کمک هزینه حقیر و ناچیز دولت به بخش های محروم مردم و طبقه کارگر، "یارانه ها" یا "تامین اجتماعی" که مطابق محاسبات خود اقتصاد دانان بورژوازی قادر به تامین زندگی زیر خط فقر موجود هم نیست، طرحی برای زنده نگاه داشتن میلیونها مردم محروم در خطر مرگ از گرسنگی است. پرداختی های دولتی به حساب های بانکی مردم که بابت آن کلی منت سر آنها میگذارند، مستقل از موقت بودن، حتی کفاف میزان پولی که خانواده کارگری در ازای افزایش قیمت نان باید بردازد، را نمیکند. تازه همین

امروز اعلام کرده اند که این پرداختها شامل یک میلیون کارگر افغانستانی نخواهد شد. از میلیونها خانواده کارگری و محرومین جامعه میخواهند که کمربند ها را سف کنند، به امید شکوفایی و سودآوری تولید یک دوره دیگر گرسنگی، فقر غنا گسیخته، و تباهی خود و فرزندان را تحمل کنند، اجازه بدهند که "جامعه" به اهداف اقتصادی بلندپروازانه تاریخی بورژوازی نائل آید. سناریویی که علیرغم خوش بینی و هلهله تمام طیف های مختلف بورژوازی در مورد محسنات طرح، با سکوت و خاموشی اکثریت عظیمی که قرار است قربانی این طرح شوند، مواجه خواهد شد. امروز بیش از هر زمان لازم است با عواقب این سیاست ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی مقابله فعال طبقه کارگر را سازمان داد. در مقابل

این وضع و در دفاع از تامین زندگی شایسته انسان، طبقه کارگر ایران راهی جز صف بندی و سنگربندی مستقل طبقاتی خود علیه این تعرض آشکار به سطح معیشت و زندگی خود ندارد. اعتراض مردم به گرانی، شورش گرسنگان در این جامعه که خطرش را "لسوزان نظام" به هم گوشزد می‌کنند، آتش خشم مردم بجاست. مردم حق دارند نان بخواهند، تامین فوری معیشت را بخواهند. با یارانه، بدون یارانه، دولت در قبال تامین رفاه همه آحاد این جامعه مسئول است.

طبقه کارگر در مراکز اصلی تولیدی باید در راس تلاش برای تامین حداکثر آسایش و رفاه ممکن و مناسب ترین شرایط کار و زندگی برای کارگران و

مصون نگه داشتن طبقه کارگر و بخش اعظم جامعه از عواقب مخرب حذف سوبسیدها قرار بگیرد. منشور مطالباتی کارگران یکی از دستاوردهای طبقه کارگر ایران است. امروز این منشور را به عنوان پرچم مطالباتی خود باید بلند کرد و همه بخشهای کارگری را حول آن به هم وصل کرد.

بر این اساس حزب حکمتیست همصدا و همراه با تمامی فعالین و کمونیست ها در ایران طبقه کارگر را به مبارزه حول مطالبات زیر فرا میخواند

- افزایش فوری حداقل دستمزدها متناسب با تورم و عواقب حذف یارانه ها از طریق نمایندگان منتخب کارگران در مجامع عمومی کارگری
- تامین بیمه بیکاری برای همه افراد آماده به کار بالاتر از ۱۶ سال

- به رسمیت شناخته شدن بی قید و شرط ایجاد تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع
- تامین امنیت شغلی برای کارگران و تمامی مزد بگیران، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء،

- متوقف کردن فوری اخراج ها و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای

امروز کارگر شاغل و بیکار، قراردادی و رسمی، بومی و غیر بومی، لازم است به عنوان یک طبقه در دفاع از زندگی انسانی خود، برای بهبودی در زندگی و برای ایجاد امکان دفاع از سطح معیشت خود، در یک صف و حول منشور مطالباتی این طبقه، حول مهمترین مطالبات سراسری خود به میدان کارزاری طبقاتی بیاید که شیور آن را بورژوازی منتها است به صدا در آورده است.

امروز طبقه کارگر ایران در مراکز مختلف کارگری، لازم است در مجامع عمومی خود جمع شود و برای جواب به این تعرض و برای ایجاد سطحی از اتحاد در صفوف خود، چاره جوئی کند. همه تشکلهای موجود و همه رهبران و فعالین کارگری، قاعداً باید پیشقراول تلاش برای شکل دادن به این صف بندی و به اتحادی سراسری در میان طبقه کارگر در دفاع از مطالبات خود باشند. طبقه کارگر ایران به یمن مکانش در تولید میتواند هر لحظه پا به میدان بگذارد تا رشد و شکوفایی تولید را با خوشختی خود و اکثریت محروم جامعه توأم کند.

۱۵ دی ۱۳۸۹ - ۵ ژانویه ۲۰۱۱

اعتصاب کارگران لاستیک بارز ...

درخواست کارگران از مدیریت برای تحقق مطالبات خود که وعده داده بود، مدیریت میگوید: "با قطع یارانه ها هزینه تولید بالا رفته است و ما نمیتوانیم به وعده های خود عمل کنیم، ما مواد نداریم و این مشکل مربوط به کل مملکت است، مربوط به ما نیست و اگر دست از کار بکشید به جرم اغتشاش دستگیر میشوید."

کارگران بعد از این تهدیدات اعتصاب خود را شروع میکنند. در طول اعتصاب مسئول حراست بارها کارگران را تهدید کرده است که "اگر سر کار نروند یگان ویژه پاسداران را به کارخانه می آورد". قراردادهای موقت بیش از ۹۰ درصد کارگران و تهدید به عدم تمدید آن، از جانب مدیریت بالای سرشان است. عباس کاربخش دبیر اجرایی خنثه کارگر کرمان در مصاحبه با ایننا بحث از پاره ای مشکلات و ناهماهنگی در لاستیک سازی که به قول او یکی از مراکز تولیدی موفق میکند. دبیر اجرایی خنثه کارگر هم زبان فریب همان حراست و کارفرما در لباس مدافع کارگر است که حتی از اعتصاب کارگران، از تهدیدات هر روزه کارفرما و حراست و از مطالبات آنها چیزی نمیگوید.

دهنکجی مدیریت لاستیک سازی و تهدید کارگران به زندان به عنوان "اغتشاشگر" در جواب مطالبات بر حق آنها، منکی به نولت و کل دستگاه سرکوب بورژوازی ایران است که متحد در مقابل طبقه کارگر سنگر بسته اند. این اتفاق و هزارن مورد دستگیری و زندان کارگران و رهبرانشان از جانب پلیس و دادگاه و حراست و ... حقایق یک جدال بی رحمانه و عریان طبقاتی را در مقابل طبقه کارگر به نمایش میگذارد که هر روز عریتر گلوئی کارگر را می فشارد.

مدیریت در کمال بی شرمی قطع سوبسید کارخانه را بهانه عدم پرداخت مزد و حقوق اولیه کارگرانی میکند که گرانی مایحتاج زندگی آنها با قطع همین سوبسیدها، عملاً سطح دستمز کارگر را در خدمت افزایش سود سرمایه مستقیم زده اند.

اعتراض کارگران لاستیک بارز و مطالبات آنها، بخشی از اعتراض کل طبقه کارگر ایران خصوصاً در نوره اخیر است. سرمایه داران نیروز ورود کالای خارجی را بهانه عدم پرداخت دستمز کارگران هفت تپه کردند، و امروز قطع سوبسید کارفرما را توجیه عدم پرداخت حقوق کارگران لاستیک بارز. قرار است افسار گسیختگی بازار آزاد و مسابقه سرمایه داران و شکست و کم آوردن بخشی در صفحه ۳

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تظاهراتهای وسیع مردم در ...

تلاش میکند با تحمیل هر چه بیشتر اختناق سیاسی علیه مردم و نیروهای سیاسی، از موقعیت خود حفاظت کند و به عنوان نیروی بلامنازع اعمال قدرت کند. در این راستا تلاش میکند فضای ترس و رعب را ایجاد و قوانین ضد آزادی را تحمیل کند. سرانجام این واقعیت و تلاش حزب دمکرات کردستان عراق برای اعمال قدرت خود و قدمهایی که بر میدارد، آینده ای ترسناک را برای سرنوشت مردم کردستان بهمراه دارد و این تبدیل به درک عمومی گشته است. به همین دلیل در برابر آن اعتراضات توده ای وسیع در شکل تظاهرات، علیه اعمال دیکتاتوری این حزب و علیه محدود کردن آزادی های سیاسی صورت گرفته است. مطالبه اصلی مردم " لغو قانون ممنوعیت آزادی تظاهرات" است.

کمیونست هفتگی: ارزیابی شما از این تحرکات چه است، جواب دولت منطقه ای کردستان چه است و این وضع به کجا میرسد؟

عوسمان حاجی مارف: اقدام برای ممنوع کردن تظاهرات و اعتراض که از حقوق مسلم و پایه ای توده های مردم است، قدم مهمی در محدود کردن آزادی سیاسی در جامعه و تحمیل خودشان است. جایگاه ناراضیاتی ها و اعتراضات مردم کردستان جهت لغو قانون " ممنوعیت آزادی تظاهرات" بخش مهمی از مبارزه سیاسی ما است. ما تلاش میکنیم که در صف مقدم این اعتراضات باشیم و برای پیروزی آن میکوشیم. اما اینکه جواب صاحبان قدرت در کردستان به این اعتراضات چیست و چه کاری را میتوانند انجام دهند، بستگی به عوامل زیادی دارد. مسلم است آنها برای اعمال قدرت خود، آزادیهای مردم را میگیرند. اینکه دو حزب حاکم در کردستان یعنی حزب دمکرات و اتحادیه میهنی بتوانند هماهنگ و با توافق علیه موج اعتراض بر حق مردم بایستند و آن را پس بزنند، کار ساده ای نیست. به نظر من در موقعیت سیاسی و بی ثبات کنونی در

اعتصاب کارگران لاستیک بارز ...

مقابل فربه شدن و بزرگ شدن بخشی دیگر را، دستمایه حمله به دستمزد ناچیز ما کنند. لابد فردا عده ای از سر "دلسوزی" برای کارگر لاستیک بارز، از آنها میخواهند به جای اعتصاب و طرح مطالبات خود، از دولت بخواهند سوبسید شرکت را پرداخت کند تا در سایه آن، دستمزد آنها از حلقوم صاحب

کردستان، در ضعف و نابسامانی در میان احزاب بورژوازی کرد و انشفاق میان آنها و اینکه دو حزب دمکرات و اتحادیه میهنی هر کدام در منطقه ای برای خود حاکم اند، همراه بی ثباتی وضعیت کل عراق، و همزمان ناراضیاتی های وسیع طبقه کارگر و مردم علیه این وضع، اجرای این قانون برای آنها مشکل است. برای مثال بر مبنای قانون مصوب پارلمان تظاهرات بدون مجوز جرم است و قابل مجازات، اما ندیدیم که بخش عمده ای از مناطق کردستان بخصوص در مناطقی که تحت کنترل حزب دمکرات کردستان نیست، شاهد اعتراضات وسیع توده ای علیه این قانون بودیم. بوند این مجوزی در کار باشد، و این خود یعنی رسوا شدن این قانون. در عین حال گسترده شدن این اعتراضات توده های مردم میتواند سریعتر این قانون و هرگونه قانونی علیه آزادی های سیاسی و خواسته های مردم را خنثی کند. گسترده کردن بمعنی بمیدان آمدن وسیع مردم است برای خنثی کردن سرنوشت کردستان، برای جدایی کردستان و ایجاد یک دولت مستقل.

کمیونست هفتگی: اکنون نزدیک به ۲۰ سال است که کنترل شهرهای کردستان دست احزاب بورژوازی در است. اوایل ناسیونالیسم کرد تبلیغات زیادی در دفاع از حکومت "کردها" میکرد و توهمات زیادی حول قدرتگیری احزاب بورژوازی کرد، نه تنها در کردستان عراق، بلکه در کردستان ایران را هم دامن زدند. این تحرکات و اعتراضات قبلی و تا کنونی از تحولاتی جدی در کردستان عراق میگویند، نظر شما چه است و آینده این وضع را چگونه ارزیابی میکنید؟

عثمان حاجی مارف: تسلط احزاب ملیشیایی کرد و تحمیل خود بر شهرهای کردستان عراق و نقش سیاسی آنها تأثیر جدی ای در بی ثباتی سیاسی در کردستان بازی کرده است. اینها هرگونه ادعایی در باره "دولت کردی" کرده باشند، نتوانسته اند سیاستهای خود را از چهارچوب سیاستها و منافع آمریکا و بوند و بستهای آنها با دول منطقه جدا کنند، بلکه همیشه در خدمت

کار بیرون آید. شیبای صاحبان سرمایه چه تحت لوای مبارزه با کالای خارجی و چه درخواست سوبسید به کارفرما، همگی صورت مسئله بخشهایی از بورژوازی ایران است که سر میز کاگر خواهند گذاشت. طبقه کارگر ایران در مقابل این وضع تنها ابزارش اتحاد طبقاتی و صف مستقل خود در دفاع از زندگی و معیشت خود است. طبقه کارگر در دفاع

آنها بوده اند. جدا از این که خصلت ناسیونالیست کرد تلاش برای ایجاد دولت کردی است، اما واقعیت بی اعتباری نیروهای سیاسی جنبش کردایی در ایران و عراق و ترکیه ... دولت کردی همیشه در پایه تبدیل به یک توهم و فریب دادن مردم گردیده است. بجای دولت کردی به کمترین خواست برای منافع احزابان همیشه در نایدید گرفتن مردم در نخالت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و کنار زدن و حاشیه ای کردن آنها نقش اساسی بازی کرده اند و جان هزاران نفر را قربانی بوند و بستهای سیاسی خود کرده اند. تازه دولت کردی اسم رمز سهم خواهی بورژوازی کرد از قدرت است نه حل مشکلات و فقر و محرومیت و امنیت و آسایش کارگر و مردم محروم.

خصوصاً امروز احزاب بورژوازی کرد آشکارا با سرنوشت مردم کردستان معامله میکنند و کردستان را در یک بن بست سیاسی و بی آینده نگهداشته اند. نابسامانی وضعیت سیاسی کردستان بسیار فراتر از قانونی مانند ممنوع کردن تظاهرات است. و به همان شیوه ناراضیاتی مردم نیز بسیار فراتر از مسئله اعتراض به این قانون است. مسئله قدرت بیست ساله این احزاب بورژوا - ناسیونالیست است که آینده و زندگی کارگران و مردم را در بی اقبی و ناروشتی اسیر کرده اند. بناید اعتراضات کارگران و مردم را جهت فشار بر احزاب کردی برای مسئولیت پذیری و روشن کردن آینده کردستان و بیرون آوردن آن از این گرداب سیاسی وسیعاً سازمان داد. قدم اول تلاش برای جدایی کردستان و تشکیل یک دولت غیر قومی و سکولار است که حداقل تکلیف این بخش از جامعه روشن شود، و الا آینده کردستان در سایه حاکمیت این احزاب و بوند و بستهای سیاسی آنها بسیار پرمخاطره و حتی فاجعه بار خواهد بود.

کمیونست هفتگی: حزب کمیونست کارگری کردستان، کجای این تحرکات و تحولات قرار گرفته است و پیام شما به عنوان دبیر اول این حزب، برای طبقه کارگر ایران و مردم چه

از اعتراض و اعتصاب بخشهای مختلف خود و از جمله کارگران بارز، ضروری است در مهمترین مراکز صنعتی به سنگربندی خود برای افزایش دستمزدها و دفاع از معیشت خود بپردازد. اینکه در کمپ طبقه حاکم، دسترنج کارگر و سود حاصل از کارش چگونه تقسیم خواهد شد، امر بورژواها است. آنچه امروز مدیریت بارز تحویل کارگران میدهد، فردا بقیه

تشکل است.

عثمان حاجی مارف: حزب ما همیشه درصفت مقدم اعتراض علیه هرگونه قانون و مصوبه ای که علیه آزادی های سیاسی و منافع کارگران و مردم بوده، ایستاده است. در برابر قانون "ممنوعیت آزادی تظاهرات" در صف مقدم این اعتراضات حضور داشته ایم و در بخش عمده ای از ناراضیاتی های مردم، با وجود فشار و ممنوعیتی که برای فعالیت سیاسی ما وجود داشته است، توانسته ایم حضور خود را تحمیل کنیم. ما توانسته ایم در برابر ناسیونالیسم کرد و احزاب صاحب قدرت در کشمکش سیاسی بر سر آینده مردم کردستان، منفعت طبقه کارگر را نمایندگی کنیم و در برابر نایدید گرفتن آن بایستیم. توده های مردم کردستان و حزب کمیونست کارگری کردستان

برعکس احزاب کردی، منافع خود را علیه جمهوری اسلامی ایران میبینیم و از کارگران و مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی پشتیبانی میکنیم. ما خود را با طبقه کارگر ایران، با مردم انقلابی در ایران هم منفعت و همسرنوشت میدانیم. توقع داریم که کارگران و مردم ایران از اعتراضات بر حق مردم کردستان پشتیبانی کنند و از تلاش ما برای بیرون آمدن جامعه کردستان از این وضع و نابسامانی و بی آینده ای از تلاش ما برای خاتمه به این وضع و جدایی کردستان و تشکیل یک دولت سکولار و غیر قومی حمایت کنند. برای ما به عنوان حزبی کمیونستی که منفعت کل طبقه کارگر را نمایندگی میکنیم و خود را بخشی از طبقه کارگر در منطقه و در جهان میدانیم، برای ما که برای سوسیالیسم و حکومت کارگری تلاش میکنیم، این اولین قدم برای سامان یافتن جامعه و بیرون آوردن آن از وضع فاجعه بار کنونی میدانیم.

با تشکر از رفیق فرزاد نزاری که مصاحبه را از کردی به فارسی ترجمه کرده است

مراکز تولیدی توجیه بی حقوقی کارگران میکنند، کاری که قبلاً مدیریت هفت تبه به بهانه ورود کالای خارجی کرد. در این جدال طبقه کارگر تنها راهش برای تأمین یک زندگی انسانی اتحاد کل طبقه کارگر با شاغل و بیکار، بومی و خارجی، زن و مرد و... حول اصلی ترین مطالباتش چون افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری و حق تشکل است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

یارانه ها و فاشیسم عریان...

خود را با سیاست یارانه ها روشن کند. واقعیت اینستکه کارگران افغانستانی آینه تمام قدی را شکل داده اند که وضعیت کارگران ایران در پایان اجرای پیروزمند طرح راه پنج سال زودتر، از همین امروز جلوی روی آنها قرار داده اند. سوال اینستکه طبقه کارگر در ایران چگونه از خود و همسروانشان افغانستانی خود میتواند دفاع کند؟

در مورد طرح یارانه ها و سهم زحمتکش افغانستانی در ایران و از میان تلنباری از نور اخیر از شاتناژ کثیف تماما آگاهانه و فاشیستی جمهوری اسلامی نمونه رئیس اداره کار و امور اجتماعی کنگان در نشست مشترک با رئیس پلیس اطلاعات و امنیت منطقه کفایت میکند: با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها شاهد کاهش و تقلیل مهاجرین خارجی و اتباع بیگانه هستیم و این مسئله باید بصورت جدی اطلاع رسانی شود و باید مردم را از اهداف این طرح عظیم در تحول اقتصادی آگاه کنیم. با اجرای هدفمندسازی یارانه ها و آزادسازی قیمت ها روند مهاجرت به کشور معکوس می شود چون هزینه های زندگی و معیشت برای اتباع خارجی بالا می رود و در مقابل هموطنان از یارانه هدفمند استفاده می کنند.

آمار رسمی يك ميليون مهاجر قانونی افغانستانی در ایران را میتوان سیصد هزار خنوار سه تا چهار نفره در نظر گرفت که حداقل ۹۰ درصد آنها را خانواده های کارگری تشکیل میدهند. بنا به آمار خود رژیم از هر خانواده کارگری سالانه تحت عناوین مختلف از جمله حق تحصیل کودکان، تمديد حق اقامت و قبالت کارت کارگری سالانه ۲۵۰ هزار تومان دریافت میگردد. این رقم مطابق طرح "آمایش چهار" به ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در حال افزایش است. کارت و ثبت قانونی اقامت برای این خانواده ها بمعنای پوشش بیمه های درمانی، پوشش قوانین کار و همان تامین اجتماعی ناچیز خانواده کارگران ایرانی نبوده است. اجازه اقامت هیچ درجه از تعقیب دایمی و ستمی ناسیونالیستی کثیف سازمان یافته علیه این زحمتکش و اعضای خانواده شان در کارخانه، محله و مدارس نکاسته است. این دسته از مهاجرین افغانستانی تازه بخش خوشبخت از جمعیت چهار میلیونی افغانستانی ها در ایران جمهوری اسلامی بحساب آمده اند.

در يك محاسبه سر انگشتی، اگر در آمد يك کارگر افغانستانی معادل حول حداقل دستمزد رسمی ۳۵۰ هزار تومانی محاسبه گردد، با آزاد شدن قیمت‌ها، دیگر زندگی عملا برای این خانواده ها غیر ممکن خواهد شد. در پایان طرح یارانه ها قیمت نان و اقلام پایه زندگی

در عرض سه سال حداقل پنج برابر قرار دادهای فردی، دستمزدهای ناچیز خواهد شد. با افزایش قیمت سوخت و دیگر نه میتوان در خانه روشنی و گرما داشت و نه میتوان برای ایاب و ذهاب موتور سیکلت قراضه را بکارگرفت. این وضعیت کلوس واقعی زنده ماندن را جلوی زحمتکشان افغانستانی قرار داده است. هر انسان با وجدان از خود میبرد این چه مجازاتی است که متوجه کارگر افغانستانی و خانواده میکند؟ بقول خود دولت قرار است یارانه ها هدفمند شود و مردم زحمتکش و فقیر بجای دهکهای بالا از امکانات سوبسیدها بهره مند شوند، چرا جلوی زحمتکش افغانستانی کارکن همیشه زیر خط فقر را در چنگال گرفته و میفشارید!؟

سوبسیدها يك سیاست از جانب کارگران و بفع و بدفاع از زندگی کارگران نبود. تا بیروز بنا به مصالح سرمایه بخش مهمی از دستمزد کارگران را به اسم سوبسیدها و سوبسیدها میزدند. تا بیروز در مقابل خواست افزایش دستمزد هزینه های سوبسیدها و خزانه خالی را نشان میدادند. تا بیروز منت سوبسیدها را سر کارگران میگذاشتند و در عوض سوبسیدها منبع سرشار سود برای تولید ارزتر در کارخانجات میشد. تا بیروز سوبسیدها کارگر بزحمت و حداکثر بالای خط فقر نگه میداشت و در عوض با نان و سوخت و برق تقریبا مجانی سور و سات بهتر و ارزتر بخش انگل جامعه تامین میشد. تا بیروز کارگر افغانستانی شریک استثمار وحشیانه طبقه کارگر در ایران و همسروانش با او بود. تا بیروز شرایط تبعیضات علیه کارگر افغانستانی حمله ای مستقیم به کل طبقه کارگر بود و به همین دلیل دفاع از معیشت و شرایط کار بهتر و دستمزد بالاتر برای کارگران افغانستانی امر مسلم طبقه کارگر در ایران بود.

امروز در صحنه چینی تازه تر اما باز هم بخش مهم دستمزد کارگر را بعنوان "یارانه هدفمند" از دسترس او خارج نگه داشته اند. یارانه هدفمند امروز، اما، کمتر است، محدوده کمتری از نان و آب و سوخت مورد نیاز او را جوابگو خواهد بود، به هزار و يك فاکتور از جمله نرخ بین المللی کالا، بالانس بودجه و خزانه دولتی، به نرخ بهره و غیره گره خورده است. از همه مهمتر اینستکه این سوبسیدها که رنگ "دفاع از محرومان" را با خود دارد، موقت است و بطور پلکنتی و در عرض چند سال ناپدید خواهد شد. این درست شرایطی است که از همین امروز و با يك ضریب بر سر کارگران افغانستانی آورده شده است. کارگر ایرانی که امروز نگران تامین معیشت خود و آینده فرزندانش است، نمیتواند به سرنوشت همکار و همسایه افغانستانی خود بی اعتنا باشد.

با طرح یارانه ها، قانون ضد کارگری،

اعتراض سه تشکل

کارگری به بازداشت

رضا رخشان



جای کارگران در زندان

نیست

رضا رخشان رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در تاریخ ۱۳ دیماه ۱۳۸۹ جهت اجرای حکم شش ماه زندان که توسط شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر صادر شده بود به زندان منتقل شد.

در پرونده که موجب صدور حکم شده بود در دادگاه بوی نامبرده از تمامی اتهامات تبرئه شده بود ولی با اعتراض نماینده دادستان و رسیدگی در دادگاه تجدید نظر ایشان به اتهام نشرکاذب و تشویش اذهان عمومی به شش ماه زندان محکوم شده است.

ما اجرای حکم زندان برای رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم می کنیم و خواهان لغو احکام صادره برای همه فعالین کارگری و آزادی همه کارگران زندانی می باشیم می باشیم

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلز کار و مکانیک

۱۵ دیماه ۱۳۸۹

نشریه حزب کمونیست

کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم